

Reviewing the effects of social and physical criteria on the urban neighborhoods' empowerment (Case study: Bazar neighborhood in Kashan)

Mohsen Shaterian¹, Akram Mohamadi², Zahra Momen beig³

1- Associate Professor, Geography and Ecotourism, University Kashan, Kashan, Iran

2- Master graduate, Geography and Urban Planning, University Kashan, Kashan, Iran

3- Master graduate, Geography and Urban Planning, University Kashan, Kashan, Iran

Abstract

Empowerment approach was proposed in the late 1980s and early 1990s in America and Netherlands, for renovating the historic old neighborhoods, to improve the quality living in them. In recent decades, the old central contexts of the cities have been abandoned, also, experiencing multiple problems as a result of low attention and being neglected. Hidden values in this textures, including buildings and historic pathways, and their physical special structure, which are the monumentals of the departed people, and recalling the memories of the city, are worn out or completely destroyed. Historic districts –due to uncontemporareity and inefficiency for routine life- call for acting consideration; due to enjoying a historical identification, and so many cultural values. Bazar old neighborhood is located in central context of Kashan. This research evaluates the effects of social and physical criteria on the urban neighborhoods' empowerment, with a case study of Bazar neighborhood in Kashan. This study is descriptive- analytical. The research population is 4633 inhabitants in the Bazar neighborhood, with a statistics sample of 150 people. The research method was a survey research, using questionnaires. SPSS and AMOS softwares were used for data processing and analysis. According to the results, it can be seen that social-physical factors play an important role in empowering Kashan's Bazar neighborhood. The physical dimension, with a significance level of 0.78, seemed to be more effective in empowerment, than social factor with a significance level of 0.43. So, increasing the security, services, living quality, participation and accessability in this neighborhood, is up to their physical ordering, along with which, the empowerment strategy can be implemented.

Keywords: Empowerment, Physical-social, Historical context, bazar Neighborhood, Kashan.

فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)

سال هفتم، شماره اول، (پیاپی ۲۴)، بهار ۱۳۹۶

تاریخ وصول: ۹۵/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۵/۲۴

صص: ۲۰ - ۱

بررسی تأثیر معیارهای اجتماعی و کالبدی بر توانمندکردن محلات شهری

(مطالعه موردی: محله بازار شهر کاشان)

محسن شاطریان^{۱*}، اکرم محمدی^۲، زهرا مومن بیک^۲

۱- دانشیار گروه جغرافیا و اکوتوریسم، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

shaterian@kashanu.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد گروه جغرافیا و اکوتوریسم، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

mohammadi.am14@gmail.com, z_momenbeik@yahoo.com

چکیده

رویکرد توانمندکردن در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ در کشورهای آمریکا و هلند مطرح شد و در بازسازی محلات فرسوده تاریخی برای ارتقای کیفیت سکونت استفاده شد. در دهه‌های گذشته، بافت‌های مرکزی قدیمی شهرها به حال خود رها و بر اثر بی‌توجهی و رسیدگی‌نشدن، به مسائل متعددی دچار شده‌اند. ارزش‌های نهفته در این بافت‌ها شامل بناها و گذرهای تاریخی و سازمان فضایی کالبدی آن‌ها که در واقع یادگارهای گذشتگان و زنده‌کننده خاطرات جمعی مردم شهر هستند، بر اثر این مشکلات فرسوده شده‌اند یا از بین رفته‌اند. محدوده‌های تاریخی به دلیل معاصر نشدن و ناکارآمدی برای زندگی روزمره نیازمند توجه جدی است؛ زیرا شناسنامه هویتی و ارزش‌های فراوان فرهنگی دارند. محله قدیمی بازار در بافت مرکزی شهر کاشان واقع شده است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر معیارهای اجتماعی و کالبدی بر توانمندکردن محلات شهری و نیز بررسی نمونه موردی محله بازار کاشان است. پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش، ۴۶۳۳ نفر جمعیت ساکن در محله بازار است که با حجم نمونه ۱۵۰ نفر بررسی شد. برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. برای پردازش داده‌ها از نرم‌افزارهای Spss و Amos استفاده شد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد عوامل اجتماعی - کالبدی در توانمندکردن محله بازار کاشان نقش بسزایی دارند. بعد کالبدی با سطح معناداری ۰/۷۸، نقش بسزایی در توانمندکردن محله بازار نسبت به بعد اجتماعی با مقدار سطح معناداری ۰/۴۳ دارد؛ بنابراین رشد امنیت، خدمات، کیفیت زندگی، مشارکت و دسترسی در این محله در گرو سامان‌دهی کالبدی آن‌ها است که در جریان آن راهبرد توانمندکردن اجراشدنی است.

واژه‌های کلیدی: بافت تاریخی، توانمندکردن، کاشان، کالبدی - اجتماعی، محله بازار

مقدمه

جمعیت جهان به‌طور روزافزونی به‌سوی شهری شدن گام برمی‌دارد؛ به‌طوری‌که از سال ۲۰۰۸ به بعد بیش از نصف جمعیت جهان در نواحی شهری زندگی می‌کنند (Wong and Yuen, 2011:1). این روند سریع شهرنشینی، مشکلات زیاد را در شهرها باعث شده است. تجارب نشان داده‌اند «مدیریت محله‌محور» یکی از بهترین راهکارها برای کاهش مشکلات شهری است (اورعی و فیاض، ۱۳۹۱: ۸). در چند دهه گذشته، بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای دخیل در مسئله مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در سطح جهانی بر ترویج نگرش مشارکتی برای تشویق روش مدیریت و برنامه‌ریزی از پایین به بالا و توانمندکردن برای نظارت بر اقدامات توسعه‌ای تأکید داشته‌اند (حاجی‌پور، ۱۳۸۵: ۳۵). همچنین برای حل مشکلات شهرنشینی، رهیافت توسعه اجتماعات محله‌ای با تأکید بر پایداری شهری با رویکردی مردم‌محور و توانمندکردن محلات در مدیریت شهری، جایگاه ویژه‌ای یافته است (توکلی نیا و سیسی، ۱۳۸۸: ۳۰). رویکردی که در حال حاضر طرح‌های سامان‌دهی سکونتگاه‌های نابه‌سامان در شهرهای کشور به دنبال تحقق آن هستند، رویکرد توانمندکردن است. رویکرد توانمندکردن با سیاست‌های ارتقاء و بهسازی محیط، به دنبال ایجاد تغییراتی اصولی در فرایند اسکان گروه‌های کم‌درآمد شهری است. این فرایند برپایه منابع و ظرفیت‌های موجود در اجتماعات محلی و در پیوند با سیاست‌های کلان توسعه ملی ایجاد می‌شود (رفیعیان، ۱۳۸۲: ۲۷۱). سامان‌دهی و توانمندکردن این سکونتگاه‌ها باید فراتر از دیدگاه پروژه‌محوری باشد (پیران، ۱۳۸۷: ۱۶). سامان‌دهی و توانمندکردن مستلزم شکل‌گیری روابط بین ساکنان و محیط محله با نهاد دولتی، مسئولان، نهادهای مردمی و سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد) است. از آنجاکه توانمندکردن محلات شهری به بهبود وضعیت مناطق شهری منجر می‌شود، این مهم نیازمند توجه جدی برنامه‌ریزان و مسئولان شهری است (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۷). بافت‌های قدیمی و تاریخی شهرها تجلی‌گاه آداب و سنن نیاکان، اندیشه و باورهای ملی و سنتی ما و منبع نمادین خاطرات، تعلقات و تصورات ما هستند که می‌توانند نقشی بی‌بدیل در هویت‌سازی جوامع شهری در عصر پیشرفته ایفا کنند؛ زیرا فرایند جهانی‌شدن و یکسان‌کردن فرهنگی در پیش رو، باوجود همه عوامل مثبت، بحران‌آفرین است و از خودبیبی‌گانی جوامع را نیز به ارمغان می‌آورد. براین‌اساس، احیاء و بازگرداندن زندگی و ایجاد شرایط مناسب زیست در بافت‌های تاریخی که با گذر زمان به بافت فرسوده تغییر نام داده‌اند، به دلیل وجود ارزش‌های اجتماعی - کالبدی اهمیت و ارزش والایی دارد (ریبک و گانگler، ۱۳۸۳: ۷۲). محدوده بافت تاریخی شهر کاشان به شش محله قدیمی شامل محلات پشت مشهد بالا، بازار، طاهر و منصور، سلطان امیراحمد و درب اصفهان، محتشم و پشت مشهد پایین تقسیم می‌شوند. مساحت بافت تاریخی شهر کاشان ۴۸۲/۵ هکتار با جمعیت ۴۴۵۵۲ نفر است که از شمال به خیابان‌های طالقانی و کاشانی، از جنوب به خیابان‌های یثربی و غیاث‌الدین جمشید، از غرب به خیابان ملامحسن و از شرق به بلوار خلیج فارس محدود شده است. محدوده بافت تاریخی از نخستین سال‌های قرن حاضر، مداخلات وسیع و بعضاً ویرانگری را تجربه کرده است که در کنار تغییر مناسبات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ۵۰ سال گذشته و معاصر نشدن باتوجه‌به ارزش‌های ذاتی و نیازهای زندگی امروزی، موجبات فرسودگی کالبدی و عملکردی آن را فراهم کرده

است (مهندسین مشاور باغ اندیشه، ۱۳۸۹: ۳). این بافت‌ها همچنین با چالش‌هایی از جمله بی‌مسکنی یا مسکن نامناسب، کاربری‌های ناسازگار، دسترسی نداشتن به امکانات و خدمات، کمبود فضای سبز و نبود زیرساخت‌های مناسب مواجه هستند که مهاجرت افراد ساکن آن را موجب شده و محله را کاملاً به صورت بافت فرسوده شهری نمایان کرده است؛ در نتیجه نیازمند توجه جدی مدیران و برنامه‌ریزان شهری است. در این میان، مشکلات و معضلات یادشده در محله بازار، یکی از محلات مرکزی شهر کاشان، پررنگ‌تر است و بر کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، پرسش اصلی پژوهش حاضر اینست که معیارهای اجتماعی و کالبدی چه تأثیری بر توانمند کردن محله بازار دارند؟

پیشینه پژوهش

برنامه‌ریزی و پژوهش‌های توانمند کردن در ایران بسیار جدید و کم‌سابقه هستند و از سال ۱۳۸۰ وارد مراحل سامان‌دهی محلات فقیرنشین شهری ایران شد. ابتدا بررسی‌هایی به صورت راهنما در شهرهای زاهدان، بندرعباس و کرمانشاه انجام شد و سپس الگوهای این پژوهش‌ها با تغییراتی درباره سایر مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ به کار گرفته شد. چارچوب اصلی و اولیه این پژوهش‌ها از تجارب بسیاری از کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی، آفریقا و آمریکای لاتین در شرایط بحرانی و رویارویی با فقر و نابه‌سامانی شهری است که با نظریات جدید برنامه‌ریزی شهری با آژانس‌های بین‌المللی و بانک جهانی از سال‌های ۱۹۸۰ میلادی سازمان داده شده است (پورموسوی و معصومی، ۱۳۸۹: ۳۷). بخشی از پژوهش‌های انجام‌شده داخلی و خارجی درباره توانمند کردن اجتماعات محلی عبارت‌اند از:

۱- موحد و حیدریان (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در توانمند کردن بافت‌های فرسوده شهری»، به بازنگری اساسی در شیوه عملکرد نسبت به بافت‌های قدیمی و تاریخی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان دادند با پیوند اقتصاد و فرهنگ و حرکت به سوی ایجاد ظرفیت‌های رفاهی، فرهنگ ویژه مردم این سکونتگاه‌ها زنده نگه داشته می‌شود. پورموسوی و معصومی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان سامان‌دهی و توانمند کردن محله‌های آسیب‌پذیر، با تأکید بر نقش مدیریت شهری، به بسترسازی برای ارتقای پایدار شرایط محیطی و رشد سلامت، امنیت، امید، ایمان و کرامت انسانی در سکونتگاه‌های غیررسمی پرداختند. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهند که بهترین وسیله برای راه‌اندازی فرایند نوین توسعه در این اجتماعات، سامان‌دهی کالبدی آن‌ها است که در جریان آن راهبرد توانمند کردن، اجراشدنی است. رستم‌زاده (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان سامان‌دهی و توانمند کردن سکونتگاه‌های غیررسمی در محلات شهری، با بررسی نگرش ساکنان محلی، به موردپژوهی محله توحیدشهر بندرعباس، به دیدگاه‌ها و نگرش ساکنان محلی در فرایند سامان‌دهی و توانمند کردن سکونتگاه‌های غیررسمی توجه کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند مشکل اسکان غیررسمی و نداشتن سند مالکیت و فاضلاب معابر از مشکلات مهم موجود در محله است. تقوایی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «استراتژی توسعه شهری با تأکید بر توانمند کردن محلات شهری؛ مطالعه

موردی: محله اکبرآباد یزد» توانمندکردن را در این محله بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند بین سرانه کاربری‌ها در وضع موجود با سرانه استاندارد در مقیاس محله‌ای اختلاف وجود دارد. همچنین محله اکبرآباد با چالش‌ها و مشکلات زیادی روبرو است که از مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به وضعیت نامناسب و درحال‌تخریب کاربری‌ها، نفوذناپذیری کوچه‌ها و معابر، از بین رفتن هویت محله‌ای و غیره اشاره کرد. مجیدی (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «توانمندکردن بافت‌های کهن شهری با تأکید بر سرمایه اجتماعی در بافت فرسوده شهر بوکان» باهدف ارتقاء سرمایه اجتماعی در راستای توانمندکردن اجتماعات محلی و بهبود کیفیت زندگی و ایجاد آرامش و آسایش بین شهروندان محله انجام داد. نتایج این پژوهش بیان می‌کند روشنفکران محلی می‌توانند در توانمندکردن اجتماعات محلی تأثیر مثبت داشته باشند و عوامل قوت و فرصت بهتر از عوامل ضعف و تهدید در ایفای نقش روشنفکران در توانمندکردن اجتماعات محله تأثیر دارند. در این راستا مدیران شهری و شهروندان بیشتر از روشنفکران به حل مسائل بافت فرسوده تأکید دارند. مشهدی زاده دهقانی و رستمی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «سامان‌دهی و توانمندکردن محلات نابه‌سامان با رویکرد ارزش‌گرایی»، به بررسی نقش ارزش‌گرایی در محلات نابه‌سامان پرداخته‌اند. حرکت از تفکر پروژه‌محوری به سمت اجتماع‌محوری نیازمند رویکردی است که با اصول محله‌های این بافت‌ها و برنامه‌ریزی محله‌مبنا برای آن‌ها تطابق داشته باشد؛ ازاین‌رو رویکرد ارزش‌گرایی در برخورد با این محلات می‌تواند راهگشا برای تضمین مسیر برنامه‌ریزی‌شده برای سامان‌دهی و توانمندکردن محلات نابه‌سامان باشد.

از نمونه‌های خارجی نیز، پژوهشی در جاوا و اندونزی نشان داد افزایش سرمایه‌های اجتماعی با افزایش احتمال موفقیت پروژه‌های اجتماع‌محور برای دستیابی به آب بهداشتی همراه است (Isham and Kahkonen, 1999). مطالعه‌ای در تانزانیا بیان‌کننده آنست که ظرفیت‌های اجتماع محلی در پایداری محلی اثرگذار است. مشارکت فراوان خانوارها، بر کیفیت آموزشی و توسعه اجتماعی مؤثر است. ضمناً سرمایه اجتماعی فراوان، در توسعه محیطی و موفقیت پروژه‌های شهرسازی نقش بسزایی دارد (Narayan and pirtchett, 1999). در پژوهش دیگری در بنگلادش مشخص شد ظرفیت اجتماعی بهتر ساکنان با پایداری محیطی و توسعه بهتر مجموعه دفع زباله همراه است (Bhuiyan, 2004). پژوهشی در بخش‌های فقیرنشین آفریقا نشان داد مؤلفه‌های محیطی و اجتماعی توسعه پایدار، از مؤلفه‌های مشارکت‌پذیری و سرمایه اجتماعی و آموزش اجتماعی از مفهوم ظرفیت اجتماعی اثرپذیر است (Mathenge et al, 2007). بررسی‌های انجام‌شده در بخش‌های فقیرنشین ایران نشان دادند سرمایه اجتماعی، در ترمیم فقر و توسعه پایدار، مؤثر است (Asadi et al, 2008). مورگان (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان «سهم سازمان‌های دولتی بنگلادش در توسعه سرمایه اجتماعی و توانمندکردن جامعه» به بررسی سازمان‌های دولتی به‌ویژه آموزش و پرورش پرداخت و به این نتیجه رسید که ظرفیت سازمان‌های غیردولتی برای توسعه سرمایه اجتماعی و توانمندکردن، به‌دلیل شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور محدود است. در پژوهش دیگری در بنگلادش توانمندکردن، بین نمونه‌ای از ۳۵۰۰ زن روستایی در ۱۲۸ روستای بنگلادش با پنج شاخص بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهند قرارگرفتن در

معرض تلویزیون، پیش‌بینی مهم سه مورد از پنج شاخص است. سال‌های تحصیل زن به‌طور چشمگیری با شاخص اعتمادبه‌نفس و آزادی تحرک ارتباط دارد و ثروت خانوار رابطه‌ای مثبت و معقول با کنترل منابع زن دارد (Simeen et al, 2012). به نقل از (Whetten & Comeron, 1998)، نولر (۱۹۹۱) الگویی چهاربعدی برای توانمند کردن ارائه کرده است و آن را الگوی ایدئال وبری می‌نامد. وی معتقد است «ما از توانمند کردن فرد یا گروهی از افراد در موقعیتی معین و دارای شرایط زیر، سخن می‌گوییم: ۱- توانایی کامل تصمیم‌گیری را دارند؛ ۲- مسئولیت کامل اجرای هر نوع تصمیم را بر عهده دارند؛ ۳- دسترسی کامل به ابزارهای مرتبط با تصمیم‌گیری و اجرای آن را دارند؛ ۴- مسئولیت کامل پذیرش پیامدهای هر نوع تصمیم گرفته‌شده را دارند. این حالتی مطلوب است که به‌طور مداوم در سازمان‌ها مشاهده نمی‌شود.» تأکید این تعریف بر تمایل شخصی به قبول مسئولیت پیامدهای عمل انجام‌شده و تصمیمات گرفته‌شده نکته‌ حیاتی آن است. به اعتقاد اسپریتزر (۱۹۹۵ میلادی) برخلاف گرایش روزافزون منابع علمی مدیریت به توانمند کردن، نبود توانمند کردن روانشناختی در جامعه، جلوی بررسی‌های بیشتر را می‌گیرد. به نظر وی توانمند کردن، متغیری مستمر و پیوسته است که افراد ممکن است درجات مختلف آن را تجربه کنند (Moy and Henkin, 2006, pp 101-117). اسپریتزر در پژوهش‌های خود در ایالت کالیفرنیا به بررسی ابعاد و چگونگی سنجش توانمند کردن روان‌شناختی در محیط پرداخت و الگویی ارائه کرد که در آن به تبیین عوامل مؤثر بر توانمند کردن روان‌شناختی و پیامدهای آن پرداخت (Spritzer et al, 1995, pp 1442-1465). رایلی، بنتلی و لین (۲۰۰۳ میلادی) با اعتقاد به اهمیت توانمند کردن و نقش آن در موفقیت، به جنبه‌هایی از توانمند کردن پرداخته‌اند که معمولاً نادیده گرفته می‌شوند. این سه پژوهشگر، ارتباط بین توانمند کردن و موفقیت را در پروژه‌های تکمیل محصول جدید در ۲۱۲ پروژه، تحلیل و همواره دو پرسش اساسی مطرح کرده‌اند: الف- آیا توانمند کردن در همه انواع پروژه‌های تکوین محصول جدید مطلوب است؛ ب- آیا توانمند کردن بیشتر، می‌تواند لزوماً مؤثرتر باشد؟ این سه پژوهشگر با اشاره به پژوهش‌های پیشین، سه ویژگی اصلی توانمند کردن را کارایی (سرعت)، نوآوری و تعهد می‌دانستند (Reily and Lynn, 2003) اولیو و همکاران (۲۰۰۴ میلادی) پژوهشی درباره‌ی نقش واسطه‌ای توانمند کردن روان‌شناختی بین رهبری و تعهد اجتماع انجام داده‌اند. آنان در این پژوهش، علاوه بر موضوع بالا، نقش فاصله رهبر - اجتماع (رهبری مستقیم و غیرمستقیم) و اثر آن را بر تعهد سازمانی نیز بررسی کرده‌اند و با تأکید بر نقش مثبت واسطه‌ای توانمند کردن روان‌شناختی در نظریه رهبری گشتالی و ارتقاء تعهد سازمانی در افراد، توانمند کردن روان‌شناختی را این‌چنین تعریف کردند: «توانمند کردن، انگیزش ذاتی در قالب یک مجموعه معرفت چهارگانه، شامل توانش، انگیزش (اثرگذاری)، معنی‌داری و خود مختاری، در راستای عکس‌العمل فردی نسبت به نقش فرد در جامعه است.» به عقیده اولیو توانش به معنای احساس دانستن و توان انجام دادن موفقیت‌آمیز کار، اثرگذاری به معنای میزان مؤثر واقع شدن فعالیت شخص در پیشبرد اهداف سازمانی، معنی‌داری به معنای وزنی که افراد برای کاری در استاندارد خود قائل هستند و خودمختاری نیز به معنای حس استقلال در تصمیم‌گیری است (Avolio et al, 2004, 951-968). نتایج پژوهش باندورا (۱۹۸۷ میلادی) در روانشناسی، معرفی چهار ابزار برای

توانمندکردن دیگران است (Bandura, 2004): ۱- استفاده از حمایت احساسی مثبت^۱ در فشارها و هیجانات؛ ۲- استفاده از ترغیب و تشویق مثبت‌ها؛ ۳- داشتن الگو از افراد موفق که می‌شناسند؛ ۴- تجارب واقعی از تسلط بر اجرای موفق (تجربه موفق). بنابراین، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از این نتایج و سایر پژوهش‌های انجام‌شده، عوامل کالبدی و اجتماعی تأثیرگذار را در محله بازار برای توانمندکردن این محله بررسی کرده است. تأکید می‌شود تأثیر عامل کالبدی بر توانمندکردن، به‌ندرت در پژوهش‌های پیشین بررسی شده است.

مبانی نظری پژوهش

واژه «EMPOWER» در فرهنگ فشرده آکسفورد؛ «قدرتمندشدن»، «مجوزدادن»، «ارائه قدرت» و «تواناشدن» معنی شده است (قاسمی، ۱۳۸۲: ۲۴). تاریخچه نخستین تعریف اصطلاح «توانمندکردن» به سال ۱۷۸۸ برمی‌گردد که در آن توانمندکردن را تفویض اختیار در نقش سازمانی خود می‌دانستند که این اختیار بایستی به فرد اعطا یا در نقش سازمانی او دیده شود. این توانمندکردن به معنی اشتیاق فرد برای پذیرش مسئولیت، واژه‌ای بود که برای نخستین بار به‌طور رسمی به معنی پاسخگویی تفسیر شد. گرو (۱۹۷۱) به تعاریف رایج فرهنگ لغت از توانمندکردن اشاره می‌کند که شامل تفویض قدرت قانونی، تفویض اختیارکردن، مأموریت‌دادن و قدرت‌بخشی است. در سال ۱۹۹۰ گاندز توانمندکردن را با واگذاری قدرت تصمیم به کارکنان مفهوم‌سازی کرد؛ اما زایمرن (۱۹۹۵) به ارائه تعریفی آسان از آن تأکید کرد و معتقد است زمانی ارائه تعریفی از توانمندکردن آسان است که به آن بدون در نظر گرفتن واژه‌هایی مانند «درماندگی»، «بی‌قدرتی» و «بیگانگی» توجه کنیم. هرگاه بخواهیم آن را باتوجه به افراد گوناگون تعریف کنیم بسیار مشکل است. ادبیات توانمندکردن تاکنون بسیار دگرگون شده است تا اینکه لی (۲۰۰۰) توانمندکردن را زمینه‌ای برای افزایش گفتگوها، تفکر انتقادی و فعالیت در گروه‌های کوچک می‌داند و اشاره می‌کند که اجازه‌دادن به فعالیت‌هایی برای حرکت به فراسوی تسهیم، تقسیم و پالایش تجربیات، تفکر، دیدن و گفتگوها از اجزای اصلی توانمندکردن است (نادری و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۶). توانمندکردن فرایندی از پایین به بالا و مشارکت همه اقشار محروم جامعه در سرنوشت خود است و از مفاهیم اساسی توسعه اجتماعی و از راهبردهای مهم توسعه منطقه‌ای به شمار می‌رود. راهبرد اصلی این الگو، اعتقاد به مردم است. اعتقاد به اینکه مسائل می‌تواند به بهترین شکل ممکن به دست مردمی که با آن مسائل به‌طور روزانه زندگی می‌کنند و به‌عبارتی گروه‌های ذینفع حل شود. توانمندکردن به اقشار محروم و گروه‌های حاشیه‌ای اشاره دارد و مؤلفه‌هایی مانند آموزش، عدالت، توزیع عادلانه درآمد و امکانات و زمینه این توزیع عادلانه، زیرمجموعه آن هستند. توانمندکردن از مفاهیم توسعه پایدار است. در توسعه پایدار بر مشارکت همه گروه‌های اجتماعی در فرایند توسعه و پیشرفت تأکید می‌شود (<http://www.hastia.org>)؛ البته چارچوب نظری ارزشیابی توانمندکردن، برپایه نظریه زیمرن قرار دارد. ارزشیابی توانمندکردن به فرایندهای توانمند کردن و پیامدهای آن توجه دارد. زیمرن برای ارائه تعریفی آشکار از نظریه توانمندکردن، از تمایز بین فرایندهای توانمندکردن و پیامدهای آن انتقاد کرده است. اساس فرایند

¹ Positive Emotional Support

² Positive Persuasion

توانمندشدن بر تلاش‌هایی برای در اختیار گرفتن کنترل، نقدکردن منابع و فهم انتقادی محیط اجتماعی پیرامون افراد گذاشته شده است (<http://www.moein.net>). همچنین فیتزمن از جمله کسانی است که درباره توانمندکردن نظریه دارد. وی قبلاً در مقاله‌ای در سال ۱۹۸۸ برای الگوی ارزشیابی توانمندکردن به جای سه مرحله، پنج مرحله بر شمرده است که از جنبه محتوایی مشابه سه مرحله معرفی شده در مقاله ایشان در سال ۲۰۰۰ است. این پنج مرحله عبارت‌اند از:

۱- بررسی موجودی؛ ۲- تعیین اهداف؛ ۳- گسترش راهبردها؛ ۴- فرایند مستندسازی؛ ۵- اجتماع‌پویایی یادگیران. فیتزمن در این مقاله ضمن اشاره به نظریه توانمندکردن زیرمن، پنج سطح برای الگوی ارزشیابی توانمندکردن معرفی کرده است که عبارتند از: آموزش، تسهیل‌کنندگی، حمایت، آشکارسازی و آزادسازی. آموزش (Training): در آموزش، به مردم آموخته می‌شود که خود، مجری ارزشیابی‌های خود باشند و برعکس ارزشیابی‌هایی که افراد ذینفع در برنامه اجرا می‌کنند؛ به‌عبارتی مقوله آموزش، نحوه بروز توانمندی‌های افراد است؛ به‌نوعی که خود ضمن مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌ها، طراح و اجراکننده نیز باشند. تسهیل‌کنندگی (facilitation): در این الگو تلاش می‌شود به بازیگران (مردان محلی) کمک شود خود، طرحی پیاده کنند و نقش ارزش‌یاب (آموزش‌دهنده) که مربی است، ارائه راهنمایی‌های عمومی و جهت‌دادن به تلاش‌هاست (<http://www.moein.net>). در این سطح، تأکید بر نقش مردم در اجرای طرح است؛ البته به کمک آموزش‌دهندگانی که مشکلات را آسان می‌کنند.

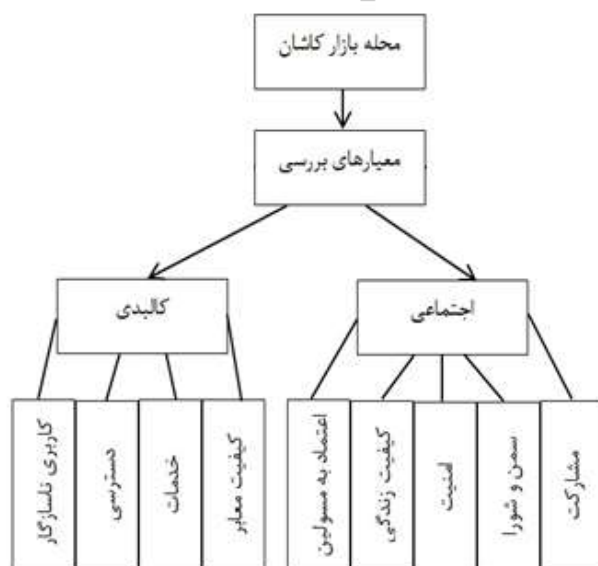
حمایت (Advocacy): بر دفاع از مردم در اجرای طرح‌های توسعه‌ای تأکید می‌شود و مربیان برای دستیابی به اهداف و پیشرفت، در واقع اعتماد به نفس به مردم می‌دهند.

آشکارسازی (Illumination): در این الگو ارزش‌یاب توانمندکردن، تجربیات خود را در اختیار مردم قرار می‌دهد. این تجربیات، چشم‌اندازهای متفاوتی برای مردم ایجاد می‌کند که پویایی جامعه و بهبود برنامه را باعث می‌شود؛ به‌عبارتی آشکارسازی، نوعی بازکردن چشم است و به مردم جهت می‌دهد تا بتوانند مسائل را ببینند، طرح بدهند و اجرا کنند.

آزادسازی (liberation): در این الگو، ارزش توانمندکردن، بروزدهنده استعداد‌های مردم است و نوعی زمینه را برای بروز استعداد‌های مردم برای تصمیم‌گیری فراهم می‌کند تا درباره چگونگی زندگی کردن و استفاده از امکانات و منابع، یافتن راه‌های مفید برای مشارکت و فرصت‌های جدید تلاش کنند (موحد و حیدریان، ۱۳۸۷: ۶۹).

برابری در توزیع منافع اقتصادی، دسترسی مناسب به نیازهای اساسی انسانی، عدالت اجتماعی و حقوق بشر و درک الزامات محیط‌زیست اهداف بااهمیتی هستند که برای دستیابی به شهری پایدار، باید لحاظ شوند (کاسمی و محمدی، ۱۳۸۰: ۹۵). توسعه پایدار، کوچک‌ترین پاره شهری، منوط به بهره‌برداری و استفاده از منابع طبیعی، انسانی و اکولوژیک به‌گونه‌ای است که همه ساکنان حال و آینده سطح مناسبی از بهداشت، امنیت و انسجام اجتماعی داشته باشند و محیط‌زیست مطلوب و اقتصادی پویا را تجربه کنند (Kline, 2005:126). توسعه پایدار محلی، برپایه توسعه اجتماعات محلی بنا می‌شود و حل مشکلات از درون محله با ترکیب سرمایه‌های طبیعی، کالبدی، انسانی و

اجتماعی مقدور خواهد شد. به بیان دیگر، توسعه پایدار محلی رویکردی به اجتماعات محلی دارد و این عنصر بیشترین نقش را برای دستیابی به این مهم دارد (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۲). مرور پژوهش‌ها نشان‌دهنده تفاوت بسیار زیادی بین پژوهش‌های غربی و ایرانی است که ریشه آن در دسترس بودن آمار در سطح محله است. شارما در دانشگاه فلوریدا به استخراج شاخص‌های پایداری برای واحدهای همسایگی پرداخت و سه جنبه محیطی، اقتصادی و اجتماعی را برای کار خود انتخاب کرد (Sharma, ۲۰۰۳). ایالت اوکلند غربی با تأکید بر سلامت اجتماعی، حمل‌ونقل و اصالت‌بخشی فضا به استخراج شاخص‌های پایداری محلی پرداخت و ابعاد محیطی و اجتماعی را مدنظر قرار داد (West Oakland neighborhood groups and the pacific institute, 2001). جوزسا و بروان از دانشگاه مک گیلدر، اقدامی کاربردی به انتخاب شاخص‌های پایداری در سطح محله‌های شهر مونترال پرداخت و به دلیل نزدیکی به آمار سطح محلی، بر بخش مدیریت زباله و سرویس‌های اجتماعی تأکید ویژه‌ای کردند (Jozsa and Brown, 2005). در جمع‌بندی پژوهش‌های خارجی مطالعه شده، تأکید ویژه بر در دسترس بودن فضاهای آزاد و آموزشی، شاغل بودن درون محله و میزان آشنایی و همبستگی میان همسایه‌ها به چشم می‌خورد.



شکل - ۱: الگوی مفهومی پژوهش (منبع: نگارندگان)

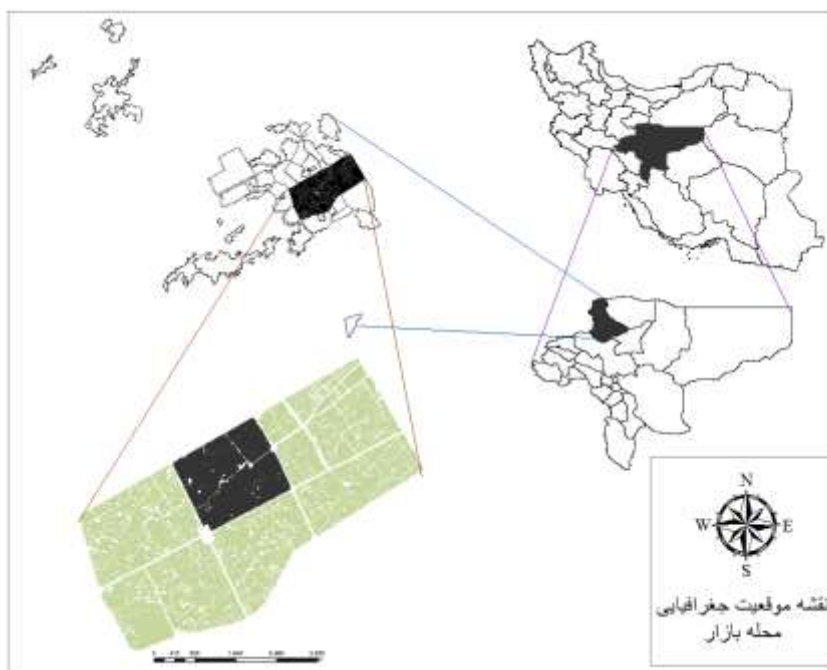
روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های لازم، از روش میدانی و ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، ۴۶۳۳ نفر جمعیت ساکن در محله بازار کاشان است. برای سنجش اطلاعات براساس آزمون مقدماتی پرسش‌نامه، شناخت کافی از ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی همگن جمعیت ساکن و انتخاب درصد p و q ، حجم نمونه در رابطه کوکران انتخاب شد و تعداد ۱۵۰ پرسش‌نامه حاوی ۷۰ گویه به صورت تصادفی ساده بین خانوارهای ساکن در محله پخش شد؛ سپس برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از

نرم افزار آماری Spss و برای تهیه الگوی ساختاری، نتیجه گیری از داده ها و تحلیل نهایی از نرم افزار Amos استفاده شد. روایی این پرسش نامه با نظر کارشناسان و پایایی آن با انجام آلفای کرونباخ و به دست آمدن مقدار ۰/۶۵۸ تأیید شد.

محدوده بررسی شده

شهر کاشان با جمعیت ۲۷۵۳۲۵ نفر (مرکز آمار ایران، سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰) و با ارتفاعی حدود ۹۵۵ متر از سطح دریا در فلات مرکزی ایران و در شمال استان اصفهان واقع است. در شرق و شمال شرقی این شهر دشت کویر و در جنوب آن ارتفاعات ایران مرکزی با روند شمال غرب به سوی جنوب شرقی امتداد دارند. محدوده بافت تاریخی شهر کاشان به شش محله قدیمی شامل محلات پشت مشهد بالا، بازار، طاهر و منصور، سلطان امیراحمد و درب اصفهان، محتشم و پشت مشهد پایین تقسیم شدنی است. محدوده محلات قدیمی که بخش اعظم محدوده بافت فرسوده شهر کاشان را نیز شامل می شود، مساحت ۴۸۲/۵ هکتار دارد که از شمال به خیابان های طالقانی و کاشانی، از جنوب به خیابان های یثربی و غیاث الدین جمشید، از غرب به خیابان ملاحسن و از شرق به خیابان ملامحسن محدود شده است. این محلات، همه شهر در دوران قاجار و بخش اصلی توسعه شهر را تا سال ۱۳۰۰ در بر گرفته است. یکی از این محلات محله بازار است. محله بازار حدفاصل خیابان رجایی در شمال، خیابان بابا افضل در غرب، محتشم در جنوب و خیابان اباذر در شرق است. این محله ۴۶۳۳ هزار نفر جمعیت و ۷۶/۴ هکتار مساحت دارد (مهندسین مشاور باغ اندیشه، ۱۳۸۹: ۴۵).



شکل - ۲: نقشه موقعیت جغرافیایی شهر کاشان و محله بازار (ترسیم: نگارندگان)

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، پس از توصیف یافته‌ها به بررسی تأثیر معیارهای اجتماعی و کالبدی بر توانمندکردن محله بازار پرداخته شده است.

توصیف یافته‌ها

از کل تعداد پاسخ‌دهندگان به سؤالات عمومی، ۲۶ درصد زن و ۷۴ درصد مرد و پاسخ‌دهندگان، بیشتر در رده سنی ۲۱ تا ۴۰ سال بوده‌اند. ۶۸/۷ درصد متأهل و ۳۱/۳ درصد مجرد بوده‌اند و بیشترین پاسخگویان با ۹۸/۷ درصد، ملیت ایرانی و ۱/۳ درصد، ملیت افغانی داشتند. بیشترین پاسخ‌دهندگان دیپلم با ۳۸/۷ درصد و زیر دیپلم با ۲۵/۳ درصد بوده است. در زمینه اشتغال، بیشترین فراوانی مربوط به شاغلان با ۸۳/۳ درصد و کمترین آن افراد دانشجو و بیکار با ۱/۳ بوده‌اند. بیشترین فراوانی درآمد‌ها، ۳۸/۷ درصد و به میزان یک تا دو میلیون تومان و کمترین آن ۴ درصد با درآمد سه تا چهار میلیون تومان بوده‌اند.

تأثیر معیارهای اجتماعی بر توانمندکردن

برای پاسخ به پرسش تأثیر معیارهای اجتماعی بر توانمندکردن محله بازار، براساس جدول (۱)، متغیرهای مشارکت اجتماعی، کیفیت زندگی، اعتماد به مسئولان و امنیت در نظر گرفته شده‌اند. باتوجه به داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه، میانگین پاسخ پاسخ‌دهندگان به ترتیب مشارکت اجتماعی، ۲/۲۹ است که مشارکت کم شهروندان در فعالیت‌های محلی را نشان می‌دهد. بین شاخص‌های مشارکت، مراجعه به شورایی‌ها برای حل مشکلات با ۱/۴۷ کمترین نزدیکی را به حد متوسط نشان می‌دهد و میزان برگزاری مراسم مذهبی و فرهنگی با ۳/۲۲ بیشتر از مقدار متوسط، بیشترین متوسط را نسبت به سایر شاخص‌های مشارکت نشان می‌دهد. کیفیت زندگی، ۲/۷۷ است که وضعیت پایین روبرو متوسط را نشان می‌دهد. میزان اعتماد به مسئولان، ۲/۵۴، وضعیت کم روبرو متوسط است و میزان امنیت، ۳/۱۴ است که نشان‌دهنده میزان امنیت در حد متوسط است. میزان ناهنجاری در محله با ۱/۴۲، کمترین مقدار را بین سایر شاخص‌ها نشان می‌دهد و احساس امنیت در شب با ۳/۳۳، بیشترین میزان را بین شاخص‌های مربوط به امنیت نشان می‌دهد. از آنجاکه کاشان، شهر تاریخی، سنتی و مذهبی است، سرمایه اجتماعی شهروندان کاشانی بیش از آنکه متأثر از فرایندهای دموکراتیک باشد، ریشه در ذخایر مذهبی و سنتی دارد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهند بیشترین میزان مشارکت مربوط به شرکت در مراسم مذهبی است. میزان چشمگیر مشارکت در کارهای مذهبی باتوجه به اعتماد کم و آگاهی نیز می‌تواند از آداب و رسوم سنتی جامعه کاشان متأثر باشد. زیاده‌بودن میانگین مربوط به احساس امنیت، موید این موضوع است. داده‌های پیمایش نشان می‌دهند میانگین مشارکت اجتماعی شهروندان در امور شورایی‌ها و اعتماد به مسئولان شهری و مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی نسبت به امور مذهبی، میزان کمتری دارند؛ یعنی شهروندان کاشانی قابلیت مشارکت اجتماعی زیادی دارند که نهادهای مذهبی به خوبی از آن استفاده کرده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد نهادهای سیاسی - اجتماعی نتوانسته‌اند در جلب آن چندان موفق عمل کنند. شهروندان نیز احساس می‌کنند امکان مشارکت مؤثر آنان در این زمینه‌ها کمتر وجود دارد. این مسئله می‌تواند یکی از عواملی باشد که از افزایش میزان احساس شهروندی در شهر کاشان جلوگیری می‌کند.

جدول- ۱: میانگین و درصد گویه‌های مربوط به بعد اجتماعی

شاخص	زیرشاخص	گویه‌های مربوط به بعد اجتماعی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین گونه‌ها	
شاخص اجتماعی	مشارکت	میزان مراجعه به شوراییاری برای حل مشکلات	۶۶	۲۳/۳	۸	۲/۷	۰	۱/۴۷	
		نقش نهادهای محلی در رفع نیاز	۳۸	۲۹/۳	۲۲/۷	۸/۷	۱/۳	۲/۰۶	
		میزان علاقه به مشارکت و عضویت در نهادهای محلی	۲۲	۳۴/۷	۲۶/۷	۶	۱۰/۷	۲/۴۸	
		میزان علاقه به مشارکت در طرح‌های نوسازی بهسازی	۱۸	۲/۷	۳۲/۷	۲۸	۱۸/۷	۳/۲	
		وجود کمیته‌های آموزش عمومی	۵۷/۳	۲۴	۱۵/۳	۲/۳	۱/۳	۱/۶۶	
		وجود کمیته‌های حرفه‌آموزی	۵۴	۱۸	۲۳/۳	۲	۲/۷	۱/۸	
		میزان برگزاری مراسم فرهنگی-مذهبی در محله	۱۶/۷	۹/۳	۲۶/۷	۲۹/۳	۱۸	۳/۲۲	
	کیفیت زندگی	میزان رضایت از کیفیت زندگی	۱۹/۳	۱۳/۳	۴۳/۳	۲۲	۲	۲/۷۴	
		میزان رضایت از شرایط زندگی	۲۴/۷	۶/۷	۳۸/۷	۲۳/۳	۶/۷	۲/۸	
	اعتماد به مسئولین	میزان اعتماد به مسئولان	۲۸	۲۴	۳۱/۳	۱۴	۲/۷	۲/۳۹	
		میزان اعتماد متقابل مردم و مسئولان محلی	۱۴/۷	۲۵/۳	۴۱/۳	۱۲	۶/۷	۲/۷	
	امنیت		میزان احساس ناامنی در محله	۴۴	۱۱/۳	۳۱/۳	۱۰/۷	۲/۷	۲/۱
			میزان اعتماد به همسایگان خود	۸/۷	۸	۵۳/۳	۲۰/۷	۹/۳	۳/۱۴
			میزان ارتباط با همسایگان خود	۲۰	۹/۳	۴۸	۱۵/۳	۷/۳	۲/۸
میزان عواطف مردم محله نسبت به هم			۱۴/۷	۱۲	۵۴/۷	۱۳/۳	۵/۳	۲/۸۲	
میزان سرقت از منازل در محله			۴۴	۲۴	۱۸/۷	۸	۵/۳	۲/۰۶	
تعداد اراذل و اوباش در محله			۵۴/۷	۲۳/۳	۱۱/۳	۶/۷	۴	۱/۸۲	
میزان ناهنجاری در محله			۶۴	۱۷/۳	۱۲	۴	۲/۷	۱/۴۲	
میزان امنیت محله هنگام پیاده‌روی			۱۴	۸	۲۴/۷	۲۹/۳	۲۴	۳/۴۱	
میزان احساس امنیت در شب			۹/۳	۱۲	۳۷/۳	۱۸/۷	۲۲/۷	۳/۳۳	
توانایی خانواده در تأمین هزینه‌های اساسی			۱۴/۷	۱۵/۳	۴۴/۷	۲۰/۷	۴/۷	۲/۸۵	

جدول (۲) مقادیر متغیرهای شاخص اجتماعی را نشان می‌دهد. بین متغیرهای بررسی شده، کمترین میزان میانگین مربوط به متغیر مشارکت اجتماعی در محله با مقدار ۲/۲۹ است و بیشترین میزان مربوط به متغیر امنیت اجتماعی با میانگین ۳/۱۴ است که از میانگین متوسط بیشتر است. در مجموع، شاخص اجتماعی میانگین ۲/۶۸ دارد که نشان می‌دهد از میانگین نظری و متوسط کمتر است.

جدول- ۲: مقادیر مربوط به بعد اجتماعی

شاخص	زیرشاخص	فراوانی گویه‌ها	میانگین گویه‌ها
اجتماعی	مشارکت	۸	۲/۲۹
	کیفیت زندگی	۲	۲/۷۷
	اعتماد به مسئولان	۲	۲/۵۴
	امنیت	۱۰	۳/۱۴
	مجموع	۲۲	۲/۶۸

تأثیر معیارهای کالبدی در توانمندکردن

در پاسخ به پرسش تأثیر معیارهای کالبدی بر توانمندکردن محله بازار، براساس جدول (۳)، شاخص کالبدی به چهار زیرشاخص کیفیت معابر، وضعیت کاربری‌ها و ناسازگاری، دسترسی و وضعیت خدمات تقسیم شده است. باتوجه به داده‌های پرسش‌نامه، میانگین پاسخ کیفیت معابر، $2/34$ است که نشان‌دهنده راضی نبودن ساکنان از وضعیت معابر است. وضعیت کاربری‌ها $2/77$ است که نشان‌دهنده وضعیت نامناسب کاربری‌ها و ناسازگاری است که تعداد زمین‌های کوچک با قطعات کم با $2/40$ ، کمترین میزان را نسبت به حد متوسط نشان می‌دهند و میزان وجود ساختمان‌های مرمتی و تخریبی با $3/59$ ، بیشترین میزان را نسبت به حد متوسط نشان می‌دهند. دسترسی $2/61$ که دسترسی کم روبه متوسط محله را نشان می‌دهد، بین شاخص‌های دسترسی، دسترسی به پارک و فضای سبز با متوسط $1/93$ ، کمترین مقدار متوسط را دارد و دسترسی به مراکز خرید روزانه با متوسط $3/26$ ، بیشترین حد متوسط را نشان می‌دهد. وضعیت خدمات کالبدی، $2/26$ است که نشان‌دهنده کم‌کیفیت بودن خدمات کالبدی است. باتوجه به اینکه بافت‌های تاریخی و قدیمی شهر کاشان به‌ویژه محله بازار از یک سو به علت بی‌توجهی مسئولان محلی و از سوی دیگر، تمایل ساکنان بر ترک این محله‌ها و ساکن شدن در بافت‌های جدید شهر، به ورود افراد غیربومی و غیرکاشانی به‌ویژه مهاجران افغان به این محلات منجر شده است. دسترسی نداشتن این محلات به وسایل حمل‌ونقل عمومی و نداشتن زیرساخت‌های مناسب و دسترسی نامناسب معابر، نبود امکانات و خدمات عمومی مانند پارک و فضای سبز، روزبه‌روز بر نامناسب‌تر شدن فضاها و کاربری‌ها افزوده و خالی شدن قسمت‌های زیادی از جمعیت این محلات و تخریب فضاهای مسکونی را موجب شده است. وجود ساکنان غیربومی به‌ویژه مهاجران افغانی در بافت‌های قدیمی و مرکزی شهر نه تنها بر این محلات بلکه در سایر محلات شهری اثر گذار بوده است و علاوه بر تخریب بیشتر فضاهای کالبدی در این محلات به وجود آمدن آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی را در سطح شهر باعث می‌شود.

جدول - ۳: درصد گویه‌های مربوط به بعد کالبدی

شاخص	زیرشاخص	گویه‌های مربوط به بعد اجتماعی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین گویه‌ها
کیفیت معابر	کیفیت	میزان رضایت از کفپوش کوچه‌ها و خیابان‌ها	۴۹/۳	۱۸/۷	۳۲	-	-	۱/۸۲
		زباله و مصالح ساختمانی در معابر محله	۲۴/۷	۲۵/۳	۳۳/۳	۱۵/۳	۱/۳	۲/۸۶
کاربری‌ها	کاربری‌ها	تعداد زمین‌های خالی و توسعه‌نیافته و متروکه در محله	۲۸	۳۳/۳	۱۹/۳	۶/۷	۱۲/۷	۲/۴۲
		همجواری کاربری‌های ناهماهنگ و ناسازگار در محله	۳۴/۷	۲۰	۲۱/۳	۱۰	۱۴	۲/۴۸
		تعداد مناطق بدون خدمات و تسهیلات در محله	۱۰	۳۳/۳	۲۶/۷	۲۰/۷	۹/۳	۲/۷۴
		میزان قطعات زمین کوچک و با مساحت کم در محله	۲۴/۷	۱۴/۷	۳۴/۷	۱۴	۱۲	۲/۴۰
		میزان قطعات زمین با چند مالک در محله	۲۹/۳	۲۴	۲۸/۷	۱۲/۷	۵/۳	۳/۰۴
دسترسی	دسترسی	میزان واحدهای ساختمانی مرمتی و تخریبی در محله	۱۲/۷	۲۶	۲۱/۳	۲۴	۱۶	۳/۵۹
		میزان دسترسی محله به داروخانه و درمانگاه	۱۰/۷	۱۴	۳۱/۳	۲۶	۱۸	۲/۹۴
		میزان دسترسی محله به خودپرداز و بانک	۲۵/۳	۱۲	۲۴/۷	۱۹/۳	۱۸/۷	۲/۳۶
		میزان دسترسی محله به پارک و فضای سبز	۳۵/۳	۲۰/۷	۲۲	۱۶/۷	۵/۳	۱/۹۳
		میزان دسترسی محله به مراکز فرهنگی	۴۴/۷	۲۴/۷	۲۴/۷	۴/۷	۱/۳	۲/۰۸

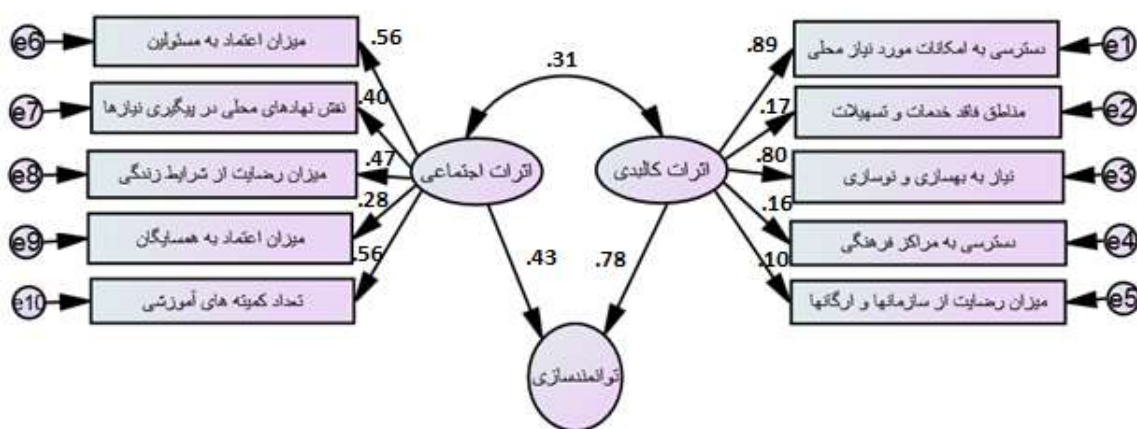
۲/۴۷	۶/۷	۲/۷	۲۰	۳۴	۳۶/۷	میزان دسترسی محله به مراکز ورزشی	خدمات
۲/۸	۶/۷	۱۵/۳	۲۹/۳	۱۶	۳۲/۷	میزان دسترسی محله به مراکز آموزشی	
۳/۰۶	۱۴	۲۰/۷	۲۴/۷	۱۳/۳	۲۷/۳	وضعیت دسترسی شما از نظر حمل و نقل عمومی	
۲/۱۴	۲۲	۱۶	۳۲	۶/۷	۲۳/۳	میزان کمبودهای محله از نظر خدمات	
۲/۸۸	۱/۳	۶	۳۲	۲۷/۳	۳۳/۳	میزان کیفیت فعالیت خدماتی سازمان‌های شهری	
۱/۸۶	۸/۷	۱۰/۷	۴۶/۷	۱۸	۱۶	رضایت از جمع‌آوری زباله در محله	

در مجموع، شاخص کالبدی میانگین ۲/۴۹ دارد که نشان می‌دهد نظر بیشتر پاسخ‌گویان در جواب گویه‌های مربوط به این شاخص، متناسب با طیف لیکرتی کمتر از حد وسط بوده است. جدول (۴)، مقادیر متغیرهای شاخص کالبدی را نشان می‌دهد. بین متغیرهای بررسی شده، کمترین میزان میانگین مربوط به متغیر خدمات شهری در محله با مقدار ۲/۲۶ است و بیشترین میزان مربوط به متغیر کاربری‌های سازگار محله با میانگین ۲/۷۷ است که از میانگین متوسط کمتر است. در مجموع، شاخص کالبدی میانگین ۲/۴۹ دارد که نشان می‌دهد از میانگین نظری و متوسط کمتر است.

جدول- ۴: مقادیر مربوط به بعد کالبدی

شاخص	زیر شاخص	فراوانی گویه‌ها	میانگین گویه‌ها
کالبدی	کیفیت معابر	۲	۲/۳۴
	کاربری‌ها	۶	۲/۷۷
	دسترسی	۸	۲/۶۱
	خدمات	۳	۲/۲۶
	مجموع	۱۹	۲/۴۹

پس از بررسی و تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار Spss، به دنبال برقراری ارتباط معناداری بین معیار اجتماعی - کالبدی و تأثیر آن بر توانمندکردن محله بازار کاشان هستیم. بدین منظور با نرم‌افزار Amos و الگوسازی معادلات ساختاری، بهترین الگویی که نتایج پذیرفتنی نیز داشته باشد برای این ارتباط عوامل رسم شد. در ادامه به تشریح این الگو و تفسیر نتایج می‌پردازیم.



شکل- ۳: الگوی ساختاری توصیفی آثار کالبدی اجتماعی بر توانمندکردن

باتوجه به این الگو رابطه دوسویه و مثبتی بین بعد کالبدی و اجتماعی توانمندکردن وجود دارد و هرکدام از این دو شاخص هم به صورت جداگانه رابطه مثبت و معناداری با توانمندکردن دارند. بعد کالبدی با ۰/۷۸، معناداری بیشتری نسبت به بعد اجتماعی نشان می‌دهد. بین زیرشاخص‌های کالبدی، بعد رضایت از کف‌پوش‌ها و خدمات کالبدی شهرداری با ۰/۸۹، بیشترین سطح معناداری را دارد و دسترسی به مراکز فرهنگی، کمترین سطح معناداری را دارد. در بعد اجتماعی اعتماد به همسایگان و نقش سازمان‌های محلی و مردم‌نهاد در رفع نیازهای محلی با ۰/۵۶، بیشترین سطح معناداری را دارند و رضایت از شرایط زندگی با ۰/۲۸، کمترین سطح معناداری را دارد.

جدول - ۵: شاخص‌های برازش نکویی

			برازش پذیرفتنی	علائم اختصاری	نام شاخص
مستقل	اشباع	پیش فرض			
۱۰	۵۵	۲۱		NPAR	شاخص‌های آزادشده برای تدوین الگو
۲۷۹/۷۹۵		۱۰۵/۵۴۴	$2df \leq X^2 \leq 3df$	CMIN	کای دو (کای اسکوتر)
۴۵	۰	۳۴		DF	درجه آزادی
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	$.01 \leq p \leq .05$	P	سطح معنی‌داری
۶۲		۳/۱	$2 \leq X^2/df \leq 3$	CMIN/DF	کای اسکوتر نسبی (به‌هنجارشده)
۰/۷۱۹	۱	۰/۹	$.90 \leq GFI \leq .95$	GFI	شاخص نیکویی برازش
۰/۶۵		۰/۸۰	$.85 \leq AGFI \leq .90$, Close to GFI	AGFI	شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵	$(>= 0/6)$	PNFI	شاخص برازش هنجارشده مقتصد
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵	$(>= 0/5)$	PCFI	شاخص برازش تطبیقی مقتصد
۰/۱۸۷		۰/۰۸	$.05 \leq RMSEA \leq .08$	RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد

از نظر گروه کارشناسان آمار دانشگاه ایالتی کالیفرنیا شمالی، به چند دلیل قضاوت درباره برازش الگو، اگر تنها بر مبنای مقدار مربع کای و سطح معناداری آن انجام شده باشد، می‌تواند گمراه‌کننده باشد؛ بنابراین پژوهشگر اغلب نیازمند توجه به شاخص‌های برازش دیگری برای تصمیم‌گیری نهایی است (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۴۶). در تحلیل شاخص‌های یادشده باید گفت تعداد شاخص‌های آزاد برای تدوین الگوی (NPAR) با مقدار ۲۱ برای الگوی پیش فرض نشان می‌دهد، پژوهشگر در تدوین الگو به راحتی به هزینه کردن درجات آزادی نپرداخته و این وضعیت، پذیرفتنی است.

شاخص کای اسکوتر غیرمعنادار (CMIN) برابر با ۱۰۵/۵۴۴ و سطح معنی‌داری صفر نتیجه‌ای پذیرفتنی به نمایش می‌گذارند. باتوجه به اینکه درجه آزادی الگوی پژوهش، از صفر، دور و به درجه آزادی الگوی مستقل نزدیک می‌شود، باید تلقی مطلوب از الگو داشت. نسبت کای اسکوتر به درجات آزادی که کای اسکوتر نسبی (CMIN/DF) خوانده می‌شود و به دلیل قضاوت درباره الگوی تدوین‌شده و حمایت داده‌ها از آن، شاخص مناسب‌تری است. شاخص مربع کای نسبی (CMIN/DF) یکی از شاخص‌ها برای پذیرفتنی بودن است. شوماخر و لومکس (۱۳۸۸) مقادیر بین ۱ تا ۵ و حتی گاهی منابع سخت‌گیرتر، مقادیر بین ۱ تا ۲ و گاهی بین ۱ تا ۳ را نیز

پذیرفتنی دانسته‌اند. در الگوی مد نظر ما این مقدار برابر ۳/۱، بیان‌کننده وضعیت پذیرفتنی برای الگو است. مقدار شاخص RMSEA که ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده است برابر با ۰/۸ است که برازشی پذیرفتنی برای الگو دارد. شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده AGFI که برابر با ۰/۸ است، برازشی خوب دارد. همچنین شاخص برازش هنجار شده PNI که مقدار آن ۰/۵ است نیز برازشی پذیرفتنی دارد. شاخص برازش تطبیقی مقتصد PCFI که مقدار آن ۰/۵ است، برازشی پذیرفتنی است. شاخص نیکویی برازش GFI برابر است با ۰/۹ که وضعیتی خوب دارد.

جدول- ۶: مقادیر رگرسیون وزنی الگوی پیش فرض

شاخص‌ها	جهت تحلیل مسیر	متغیرها	تخمین غیراستاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معنی داری
توانمندکردن	S53	میزان دسترسی به نانوائی، سوپرمارکت، میوه‌فروشی و..	۱/۰۰۰	-	-	-
	S55	تعداد مناطق فاقد خدمات و تسهیلات در محله	۰/۲۱۲	۰/۱۱۵	۱/۸۴۶	۰/۰۴۹
	S54	نیاز به بهسازی و نوسازی یا بازسازی	۰/۸۵۶	۰/۱۹۰	۴/۵۰۲	***
	S57	میزان دسترسی به مراکز فرهنگی	۰/۱۴۱	۰/۸۰	۱/۷۶۷	۰/۰۵۱
	S62	میزان رضایت از فعالیت سازمان‌ها (شهرداری، نیروی انتظامی، آموزش و پرورش، شورای شهر)	۰/۰۸۶	۰/۰۷۸	۱/۱۰۱	۰/۰۴۵
	S17	تعداد کمیته‌های آموزش عمومی	۰/۸۱۴	۰/۲۲۲	۳/۶۶۴	***
	S24	میزان اعتماد به همسایگان خود	۰/۴۴۵	۰/۱۸۵	۲/۴۱۰	۰/۰۱۶
	S22	رضایت از شرایط زندگی	۰/۶۷۰	۰/۲۱۲	۳/۱۵۹	۰/۰۲
	توانمندکردن	کالبدی	۱/۰۰۰	-	-	-
توانمندکردن	اجتماعی	۱/۰۰۰	-	-	-	

جدول (۶) سطح معنی داری، خطای استاندارد و نسبت بحرانی زیرمتغیرهای توانمندکردن را نشان می‌دهد و بیان‌کننده نسبت بحرانی (CR) مناسب (بیشتر از ۱/۹۶)، خطای استاندارد (SE) کم و درنهایت، سطح معنی داری (P) کمتر از ۰/۰۵ برای سایر متغیرها است. درنهایت، فرضیه یادشده تأیید می‌شود. در الگویی که برای سنجش میزان اثرگذاری عوامل کالبدی و اجتماعی بر توانمندکردن محله بازار با نرم‌افزار Amos و الگوسازی معادلات ساختاری به دست آمد، باتوجه به نتایج به دست آمده و ارائه شده در جدول (۳) می‌توان گفت همه شاخص‌های برازش نیکویی الگو، مقادیر خوب و پذیرفتنی دارند که نشان‌دهنده معنادار بودن این رابطه و اثرگذاری زیرمعیارهای آن‌ها شامل دسترسی، امکانات، نوسازی برای معیار کالبدی و موارد اعتماد، رضایت و امنیت برای موارد اجتماعی است؛ بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود با بهتر شدن هرچه بیشتر شرایط کالبدی و اجتماعی این محله و افزایش رضایت و اعتماد مردم به دنبال آن، می‌توان برای توانمندکردن هرچه بیشتر این محله کوشید.

نتیجه‌گیری

توانمندکردن فرایندی از پایین به بالا و مشارکت همه اقشار محروم جامعه در سرنوشت خود است و از مفاهیم اساسی توسعه اجتماعی و از راهبردهای مهم توسعه منطقه‌ای به شمار می‌رود. راهبرد اصلی این الگو، اعتقاد به مردم

است. اعتقاد به اینکه مسائل می‌تواند به بهترین شکل ممکن به دست مردمی که با آن مسائل به‌طور روزانه زندگی می‌کنند و به عبارتی گروه‌های ذینفع حل شوند. توانمند کردن اشاره به اقشار محروم و گروه‌های حاشیه‌ای دارد و مؤلفه‌هایی مانند آموزش، عدالت، توزیع عادلانه درآمد و امکانات و زمینه این توزیع عادلانه، زیرمجموعه آن هستند. باتوجه به داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه، میانگین پاسخ دهنده‌گان به ترتیب مشارکت ۲/۲۹، است که مشارکت کم شهروندان را در فعالیت‌های محلی نشان می‌دهد. کیفیت زندگی، ۲/۷۷ است که وضعیت کم روبه متوسط را نشان می‌دهد. میزان اعتماد به مسئولان ۲/۵۴ است؛ یعنی وضعیت آن به صورت کم روبه متوسط است و میزان امنیت ۳/۱۴ است که نشان دهنده میزان امنیت در حد متوسط است. باتوجه به داده‌های کالبدی، میانگین پاسخ کیفیت معابر ۲/۳۴، است که نشان دهنده نارضایتی ساکنان از وضعیت معابر است. وضعیت کاربری‌ها ۲/۷۷ است که نشان دهنده وضعیت مناسب کاربری‌ها و سازگاری است. دسترسی ۲/۶۶ که دسترسی کم روبه متوسط محله را نشان می‌دهد و وضعیت خدمات کالبدی ۲/۲۶ است که نشان دهنده کم کیفیت بودن خدمات کالبدی است. توانمند کردن اجتماعی بدون توجه به بعد کالبدی ممکن نیست. شهرداری‌ها و نهادهای مسئول در امور شهری می‌توانند بیشترین نقش را در توانمند کردن کالبدی جامعه ایفا کنند. باتوجه به الگوی ساختاری، رابطه دوسویه و مثبتی بین بعد کالبدی و اجتماعی توانمند کردن وجود دارد و هر کدام از این دو شاخص هم به صورت جداگانه، رابطه مثبت و معناداری با توانمند کردن دارند که بعد کالبدی با ۰/۷۸، معناداری بیشتری نسبت به بعد اجتماعی نشان می‌دهد. در بیشتر پژوهش‌های پیشین به جنبه اجتماعی بیشتر تأکید شده است و به بعد کالبدی بی‌توجهی شده است. اما در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن بعد کالبدی و اجتماعی، در پایان، توانمند کردن محلات به این نتیجه رسید که بعد کالبدی نقش مهم و تأثیر بسزایی در توانمند کردن محله بازار کاشان دارد و رشد امنیت، خدمات، کیفیت زندگی، مشارکت و دسترسی در این محله در گرو سامان‌دهی کالبدی آن‌ها است که در جریان آن راهبرد توانمند کردن اجرا شدنی است.

منابع

- ۱- پورموسوی، موسی و معصومی، سلمان، (۱۳۸۹)، سامان‌دهی و توانمند کردن محله‌های آسیب‌پذیر با تأکید بر نقش مدیریت شهری، شهرداری‌ها، سال یازدهم، شماره ۹۹، صص ۳۲-۴۰.
- ۲- پیران، پرویز، (۱۳۸۷)، از اسکان غیررسمی تا اسکان‌نایابی: در جستجوی راه حل (بخش نخست)، مجله هفت‌شهر، شماره ۲۳، صص ۲۹-۱۴.
- ۳- تقوایی، مسعود، حسینی خواه، حسین و علیزاده اصل، جبار، (۱۳۹۴)، استراتژی توسعه شهری با تأکید بر توانمند کردن محلات شهری، مطالعه موردی: محله اکبرآباد یزد.
- ۴- توکلی‌نیا، جمیله و سیسی، منصور، (۱۳۸۸)، تحلیل پایداری محله‌های کلانشهر تهران با تأکید بر عملکرد شوراهای پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شمار، ۷۰، ص ۳۰.
- ۵- حاجی پور، خلیل، (۱۳۸۵)، برنامه‌ریزی محله مینا، رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱، شماره ۲۶، ص ۳۵.

- ۶- خاکپور، براتعلی، مافی، عزت الله و باوان پوری، علیرضا، (۱۳۸۸)، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای (نمونه: کوی سجادی مشهد)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۲، صص ۵۵-۸۱.
- ۷- رستم‌زاده، یاور، (۱۳۹۱)، سامان‌دهی و توانمندکردن سکونتگاه‌های غیررسمی در محلات شهری با بررسی نگرش ساکنان محلی: مورد پژوهی: محله توحید شهر بندرعباس، مدیریت شهری، شماره پاییز و زمستان ۹۰، شماره ۲۹، صص ۳۳۶-۳۲۱.
- ۸- رفیعیان، مجتبی، (۱۳۸۲)، پروژه توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر بندر عباس با دید شهرنگر، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان عمران و بهسازی شهری، بانک جهانی، شرکت مهندسی مشاور ساپ، صص ۱۵۹.
- ۹- ربیک، اکهارت و گانگلر، آنته، (۱۳۸۳)، آیا نجات شهرهای شرقی-اسلامی امکانپذیر است؟ (هشدارهایی در زمینه‌ی نوسازی هسته قدیمی شهرهای مشرق زمین)، ترجمه مهران دشتی، مجله آبادی، شماره ۴۲، صص ۸۵-۹۸.
- ۱۰- شوماخر، رندال و لومکس، ریچارد جی، (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر مدل‌سازی معادله ساختاری، ترجمه وحید قاسمی، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول، تهران، صص ۳۷۶.
- ۱۱- صدیق اورعی، غلامرضا، فیاض، ابراهیم، (۱۳۹۱)، تأملی کوتاه بر نظام محله‌ها و کارکردهای آن براساس گفتارهایی ازویت، انتشارات بوی بهشت، وابسته به سازمان فرهنگی و شهرداری مشهد، مشهد، صص ۴۰-۱.
- ۱۲- قاسمی، جعفر، (۱۳۸۲)، توانمندسازی، ماهنامه تدبیر، سال چهاردهم، شماره ۱۳۲، صص ۲۷-۲۲.
- ۱۳- کاظمی، موسی و محمدی، سید مهدی، (۱۳۸۰)، توسعه پایدار شهری: مفاهیم و دیدگاه‌ها، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۲، صص ۹۴-۱.
- ۱۴- مجیدی، سید یاسین، (۱۳۹۳)، توانمندسازی بافت‌های کهن شهری با تأکید بر سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر بوکان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: حسین کلانتری خلیل آباد، استاد مشاور: احمد پور، احمد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، دانشکده هنر و معماری، صص ۲۲۵.
- ۱۵- مهدی‌زاده دهاقانی، ناصر و رستمی، فرامرز، (۱۳۹۳)، سامان‌دهی و توانمندکردن محلات نابه‌سامان با رویکرد ارزش‌گرایی، هفت شهر، شماره ۴۵-۴۶، صص ۷۱-۵۲.
- ۱۶- موحد، علی و حیدریان، مهدی، (۱۳۸۷)، بررسی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در توانمندکردن بافت‌های فرسوده شهری، اولین همایش بافت‌های فرسوده شهری، چشم‌انداز توسعه پایدار: ارزش‌ها و چالش‌ها، دانشگاه شهید چمران اهواز، صص ۷۸-۶۸.
- ۱۷- مهندسین مشاور باغ اندیشه (۱۳۸۹)، گزارش شناسایی بافت تاریخی شهر کاشان، طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده کاشان، صص ۲۵۹-۱.
- ۱۸- نادری، ناهید، رجائی‌پور، سعید و جمشیدیان، عبدالرسول، (۱۳۸۶)، مفاهیم و راهبردهای توانمندسازی کارکنان، ماهنامه تدبیر، سال هجدهم، شماره ۸۶، صص ۶۷-۶۵.

- 19- Asadi, A, Akbari, M, ShabanaliFami, H, Iravani, H, Rostami, F, and Sadati, A, (2008) **Poverty alleviation and sustainable development: The role of social capital**, Journal of social sciences 4(3): 202-215.
- 20- Avolio, B. G; Zho, W; Koh, W; Bhatia, p, (2004) **Trnsformational leadership and organizational commitment, mediating role of psychological empowerment**, Journal of organizational, 25: 951-968.
- 21- Bandura, A, (2004) **Self-efficacy in changing societies**, Published in the United States of America by Cambridge University Press. New York, p 227.
- 22- Bhuiyan, S., (2004) **Unveiling the face of social capital: Evidence from Community-Based Solid Waste Management Initiatives in Urban Bangladesh**, unpublished PhD thesis. Bonn: University of Bonn.
- 23- Gandz, J. (1990) **The employee empowerment era**. Business Quarerly 55: 17.
- 24- Grove, P. B. (1971) **Websters third new international dictionary of the English language unabridged**. Spring Field, MA, G & P 508
- 25- <http://www.hastia.org>
- 26- <http://www.moein.net>
- 27- Isham, J. and Kähkönen, S. (1999) **What determines the effectiveness of community-based water projects? evidence from central java, Indonesia on demand responsiveness, Service rules, and social capital, social capital initiative working paper No. 14**. Washington, DC: The World Bank.
- 28- Jozsa, A. and Brown, D. (2005) **Neighborhood sustainability indicators report on a best practice borkshop**. hosted by the School of Urban Planning, Montreal, McGill University, pp 1-24.
- 29- Kay A. (2005) **Social capital, The social economy and community development**. Community Development Journal 41(2): 160-173.
- 30- Kline, A. (2005) **Social capital .The social economy and community development**, Development Journal of Oxford University, 140-173.
- 31- Lee, M. J. and Keh, J. (2000) **Is empowerment really a new concept?** The International Journal of Human Resource Management 18(14): 684.
- 32- Mathenge, M., Swallow, B. and Yatic, T. (2007) **More effective synergies for sustainable development: enhancing the social capital of research organizations addressing rural poverty and environment in Africa**. Concept Project Paper for the IDRC Funded Scoping Study of Partners for the Rural Environment Poverty Programme World Agroforestry Centre (ICRAF), Nairobi (Kenya), p30.
- 33- Morgan, W. (2011) **Non-governmental organizations in Bangladesh social capital development and community empowerment**. Community Development Journal 33(1): 369-385.
- 34- Moy, J. M. and Henkin, B. A. (2006) **Exploring associations between empowerment and interpersonal trust in managers**. Journal of Management Development 25(2): 101-117.
- 35- Narayan, D, and Pritchett, L, (1999) **Cents and sociability: household income and social capital in rural Tanzania**. Economic development and cultural change, 47(4): 871-897.
- 36- Reily, R. R. and Lynn, G. S, (2003) **Empowerment in new product development teams: more is not always better**. Howe School of Technology Management 9(3): 7-14.

- 37- Sharma, R. (2003) **Sustainability index for residential neighborhoods, Florida**. The Florida State University School of Social Science.
- 38- Sharma, Rupa. (2003) **Sustainability index for residential neighborhoods**. Florida: The Florida State University College of Visual Arts, Theatre, A Thesis submitted to the Department of Interior Design In partial fulfillment of the Requirements for the degree of Master of Science, Ricardo Navarro Professor Directing Thesis, pp1- 240.
- 39- Simeen Mahmud, N. M. Shah, S. B, (2012). **Measurement of women's empowerment in rural Bangladesh**. World development, 40(3): 610–619.
- 40- Spritzer, G. M, (1996) **Psychological empowerment in work place, Dimensions, measurement and validation**, The academy management journal, 38(5): 1442-1465.
- 41- West Oakland neighborhood groups and the Pacific Institute, (2001) **West Oakland indicators project chemicals in the environment human health, survey approach**. 29, Retrieved from http://www.chemicalbodyburden.org/hb_cs_westoakland.htm.
- 42- Whetten, P. A. and Comeron, Kim. S. (1998) **Developing management skills**, New York: Addison-Wesley, Wheelan, p 78.
- 43- Wong, T. and Yuen, B. (2011) **Eco-city planning policies, practice and design**, Springer Cham Heidelberg. New York Dordrecht London, p 266.
- 44- Zimmerman, M. A. (1995) **Psychological empowerment: Issues and illustrations**. American Journal of Community Psychology 23(5): 581-599.

